



عبدالله شهبازی

## گفت وگو با دکتر محمود گلابچی، بنیانگذار دانشگاه پارس

# معماری بی هویت

# یغماگر آرامشی انسان است

نقدی بر شتاب‌زدگی مدرنیته و سوداگری شهری که

ما را از «معماری انسان‌محور» دور کرده است

### معماری و شهرسازی

**مهدیه سادات نقیبی - گروه اندیشه/** «معماری بی هویت، زیست بی‌آرامش است. از همین روست که باید از کشاکش سبک‌ها و الگوهای معماری وارداتی، فاصله بگیریم و دوباره به ویژگی‌های سرزمینی و اصالت معماری و شهرسازی ایرانی رجوع کنیم.» این اظهار نظر دکتر محمود گلابچی، چهره ماندگار معماری و شهرسازی ایران و دارنده کرسی یونسکو در معماری است. او به عنوان بنیانگذار دانشگاه معماری و هنر پارس که در کارنامه علمی‌اش بیش از ۸۰ کتاب تخصصی دارد، در گفت‌وگو با گروه

اندیشه ایران، پیران کلان‌شهرهای امروز را نتیجه بریدن از ریشه‌های فرهنگی و انسانی معماری ایرانی می‌داند؛ معماری که روزگاری در میدان نقش جهان و چهارباغ، توازن میان قدرت، ایمان، دانش و زندگی را در قالبی زیبا و انسانی مجسم می‌کرد. گلابچی با نقد شتاب‌زدگی مدرنیته و سوداگری شهری، بر بازگشت به «معماری انسان‌محور» و «زیست شهری اصیل» تأکید دارد؛ شهری که در آن معماری، ظرف زندگی و آرامش انسان باشد.

هماهنگ جلوه‌گر بودند. امروز، متأسفانه ما چنین تصویر الهام‌بخشی را از معماری و شهرسازی شاهد نیستیم؛ مگر آنکه به هویت، اصالت و ریشه‌های فرهنگی خود بازگردیم. باید از کشاکش میان سبک‌ها، الگوها و اندیشه‌هایی که از جوامع دیگر وارد سرزمین ما شده، فاصله بگیریم و دوباره به ویژگی‌های سرزمینی و اصالت معماری و شهرسازی ایرانی رجوع کنیم.

**امروز بسیاری از مردم از زندگی در شهرها احساس خستگی و بی‌قراری دارند. گذشته از شرایط اقتصادی و سیاسی، آیا می‌توان ریشه این ناراضی‌ها را ناشی از ظاهر و بافت شهری دانست؟**

شهرهای ما از کیفیت و شرایط مطلوب بصری برخوردار نیستند. انواع مصالح، ساختمان‌ها با طبقات و ایماه مختلف، با خط آسمانی مغشوش و آشفته، سبب شده‌اند که احساس خستگی و بی‌قراری در مردم شکل گیرد. علت این وضعیت آن است که ما در معماری خود به بنیان‌ها، هویت و ضرورت‌های واقعی جامعه نپرداخته‌ایم. در بسیاری از موارد، به شهر به عنوان یک امکان برای تأمین درآمد نگاه شده است. ساختمان‌ها نیز بر اساس چهارچوب‌های دستگاه‌های نظارتی و اجرایی، صرفاً در صورتی امکان ساخت پیدا می‌کنند که پرداخت‌های لازم از نظر عوارض و سایر الزامات انجام شده باشد. به همین دلیل، کیفیت ساخت‌وساز و هماهنگی در شهر، قربانی نگاه اقتصادی شده است. اینکه امروز در شهرها احساس آرامش وجود ندارد، نتیجه همین بی‌نظمی است.

**برای ایجاد نظم در معماری شهری، چه سیاستی را باید به کار گرفت؟**

ما در زیست شهری و در فضای زندگی باید برای ایجاد هماهنگی و تناسب به یک چهارچوب نظری عمیق و محکم تکیه کنیم. در حال حاضر چون این گونه نیست، هر ساختمانی با هر کیفیتی امکان بروز و ظهور پیدا می‌کند. در شهرهای بزرگ جهان مثلاً در لندن، رم یا پاریس فضاهایی وجود دارد که احساس خوبی به انسان می‌دهند. مردم می‌گویند «اکسفورد استریت چقدر فضای جذاب و آرامش‌بخشی دارد». علت این است که در آنجا مبانی معماری و شهرسازی «محافظه‌کارانه» (Conservative) است؛ یعنی سیمای شهر حفظ می‌شود و هر بنایی با هر کیفیت، هر ایماه یا هر مصالحی اجازه ساخت ندارد. این «محافظه‌کاری» در طراحی شهری باعث می‌شود فضاهای شهری یکپارچه، قابل قبول، زیبا و آرامش‌بخش باشند. اما وقتی در کشور ما عوارض، تراکم و چهارچوب‌های شهری تبدیل به منابع درآمدی برای اداره شهر می‌شود و منابع درآمدی پایدار پیش‌بینی نمی‌گردد، مدیران شهری ناچار می‌شوند از ضوابط و اصول

عدول کنند تا هزینه‌های جاری شهر تأمین شود. همین امر سبب می‌شود شهرسازی معماری ما نتواند کیفیت زیست مطلوب را برای جامعه تأمین کند و در نتیجه، خود به بخشی از بحران بدل می‌شوند. یکی از مقامات اتحادیه اروپا زمانی که مذاکرات برجام اول بود، در رفت‌وآمدهای که به تهران داشت، اظهار کرده بود: «فکر نکنید ایران و به‌ویژه تهران یک شهر عقب‌افتاده است.» حتی مقایسه کرده بود با شهرهایی مثل قاهره و دمشق و گفته بود: «تهران این گونه نیست، وقتی در تهران حرکت می‌کنم، احساس می‌کنم در مادرید هستم.» او می‌خواست از کشور ما تعریف کند، اما این جمله‌اش معنای دیگری هم در خود نهفته داشت؛ اینکه معماری ما ندای کنند و ویژگی‌های سرزمینی، هویت و اصالت معماری و شهرسازی خودمان نیست. این نشان می‌دهد که ما در زیست شهری و در ساخت شهر، ویژگی‌های مربوط به هویت و اصالت سرزمین خود را رعایت نکرده‌ایم.

**مدرنیته نوعی شتاب‌زدگی در زیست شهری ایجاد کرده است. آیا می‌توان با به کار گرفتن طراحی و معماری، فضایی آرام‌تر به شهرها داد؟**

بله، این امکان وجود دارد. در گذشته ما در بازارها، در مسیر حرکت افراد در شهر، فضاهایی را می‌دیدیم که در آن تأمل و آرامش وجود داشت؛ فضاهایی برای توقف انسان. در معماری گذشته‌مان، معمولاً در کنار خانه‌ها، سکوهای ساخته می‌شد تا عابری که از گرمای کوچه دچار سختی می‌شود، بتواند دقایقی بنشیند و استراحت کند. در بسیاری موارد «سباتی» وجود داشت تا آن فضای سایه باعث جریان هوای خنک شود. در بازارهای سنتی نیز سراها و تیمچه‌ها را داشتیم و مسیر بازار معمولاً به مسجد جامع ختم می‌شد. اما امروز از این طراحی‌های ایرانی غافل شده‌ایم.

**تعلق مکانی و حس هویت شهری چقدر در کیفیت زندگی شهروندان نقش دارد؟** حس تعلق مکان و توجه به هویت کاملاً بر کیفیت زندگی اثرگذار است. ما بیش از نیمی از عمر خود را در شهر می‌گذرانیم. درست است که بخشی از زمان ما در خانه و محل کار می‌گذرد، اما شهر پیش از هر مکان دیگری ما را در درون خود جای می‌دهد. شهر «حی عمومی» جامعه است و باید چهارچوب‌هایی وجود داشته باشد که از این حقوق محافظت و صیانت شود. یعنی کسی که زمینی در یکی از خیابان‌های شهر دارد، معنایش این نیست که حق دارد هر کاری در آن زمین یا در آن بنا انجام دهد.

**آیا معماری اصیل ایرانی بر زیست شهری جهانی هم تأثیر گذاشته است؟** مثلاً در هند، شهر «جیبور» برگرفته از الگوی

اصفهان است. حتی نام آن نیز به همین معناست: «جی» یعنی اصفهان و «بور» یعنی فرزند و ترکیب این دو یعنی «فرزند اصفهان». پادشاه هند زمانی که به ایران آمد و چهارباغ اصفهان را دید، پس از بازگشت دستور داد شهری مانند اصفهان بسازند. به همین جهت، جیبور یا همان الگوها شکل گرفت؛ با چهارباغ‌های متعدد، فضاهای سبز میان مسیرها، باندهای پیاده‌روی سبز و فضاهای شهری که امکان تعامل، توقف و آرامش را برای مردم فراهم می‌کند. این الگو بعدها مبنای طراحی در بسیاری از کشورهای دیگر هم شد. این همان تأثیر معماری و شهرسازی ایرانی بر زیست شهری در جهان است.

**اکنون کلان‌شهرهای ما با چه آسیب‌های کالبدی و اجتماعی مواجه‌اند؟**

شهرهای بزرگ ما دارای چالش‌ها و آسیب‌های بسیاری به لحاظ معماری، شهرسازی، طراحی شهری، ترافیک، حفظ سلامت محیط زیست، کمبود فضای سبز و کمبود فضاهای اجتماعی برای حضور انسان‌ها هستند. اینها گوشه‌ای از کمبودها و چالش‌ها و آسیب‌هایی است که ما در کالبد شهرهای خودمان، به لحاظ طراحی، اجتماعی، فرهنگی و حتی به لحاظ کاربری‌ها داریم؛ از شکاف طبقاتی تا حاشیه‌نشینی و حتی کمبود عدالت فضایی از پیامدهای آن است. معماران و شهرسازان ما بیش از همه از این وضعیت رنج می‌برند و بیش از همه نیز می‌توانند در برطرف کردن آن نقش داشته باشند.

**نقش معماران و شهرسازان در اصلاح این وضعیت چیست؟**

معماران ما باید بدانند که هر طرحی باید دارای یک Feasibility Study و قبل از آن یک Opportunity Study، یعنی «مطالعات فرصت» و «مطالعات امکان‌سنجی» باشد. ما حق نداریم هر مداخله‌ای را در جامعه و در شهر، بر اساس نظر خودمان و بدون چنین تحقیق و مطالعه‌ای در ایماه مختلف، انجام دهیم. حتماً، علاوه بر معماران، شهرسازان که طراحی‌های شهری را در طرح جامع و طرح تفصیلی انجام می‌دهند، بیش از همه، در ایجاد شرایط مطلوب و جلوگیری از آسیب‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در شهر مؤثرند. اینکه کاربری‌ها چگونه تعریف شود، چگونه توزیع شود، در کجا قرار گیرد و چگونه به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد، از جمله مسائل مهمی است که بر عهده شهرسازان و معماران است. ما در بحث ترافیک، آلودگی‌های زیست‌محیطی، کمبود فضاهای سبز و در بحث کمبود فضاهای عمومی و اجتماعی دچار چالش‌هایی هستیم که بیش از همه شهرسازان باید در رفع آن تلاش کنند.

**در دهه‌های اخیر شاهد رشد برج‌ها در شهرهای ایران بوده‌ایم. این روند چه تأثیری بر هویت فرهنگی شهرها داشته است؟**

ساختمان بلند حاصل پیشرفت علم و فناوری و معماری و طراحی در جهان ماست، و از آن نمی‌توانیم بی‌بهره بمانیم. اینکه ما برج‌هایی را در شهرهای خودمان می‌سازیم، اگر بر اساس ضرورت، بر اساس جایابی و مکان‌یابی مناسب، مثلاً به دلیل کمبود زمین و یا بر اساس نیازهای واقعی جامعه باشد، ایرادی بر آن وارد نیست، منتها،

ساختمان بلند باید در جایی و برای کاربری و نیازی طراحی و اجرا شود که ضرورت آن کاملاً محرز و اثبات شده باشد. ساختمان بلند باید در جایی اجرا شود که منظر شهری (Scape) اجازه دهد و فضای لازم وجود داشته باشد و تأمین خدمات لازم برای آن امکان‌پذیر باشد. اینکه گاهی ما برج‌ها را نقد می‌کنیم که چرا در یک خیابان به عرض ۸ متر، یک برج ۲۲ طبقه ساخته شده، به معنای نفی ساختن برج و ساختمان بلند نیست؛ به معنای آن است که در آنجا یک تصمیم اشتباه گرفته شده است. در شهرهای بزرگ دنیا هم، حتی شهرهایی با سابقه تاریخی مانند پاریس، رم و لندن، بخش‌هایی از شهر دارای ساختمان‌های بلند هستند اما بر اساس چهارچوب‌ها و نیازهایی که در آن مکان و در آن زمان وجود دارد.

**ساخت و ساز بی‌رویه مکامال‌ها در شهرهای بزرگ آیا تأثیر منفی بر هویت شهری ما گذاشته‌اند؟**

مکامال‌ها و مراکز تجاری که در کشور ما بسیار هم گسترده شده‌اند، فضاهایی هستند که امروز در دنیای متحده هم مورد نقد قرار گرفته‌اند. مراکز خرید و فضاهای تجاری بزرگ، امروز به انسان‌ها نوعی الزام خرید القا می‌کنند که شما از این مغازه به آن مغازه، از این برند به آن برند بروید، بدون اینکه متوجه شوید اکنون ظهیر یا غروب یا شب شده است؛ اصلاً نمی‌دانید در چه شرایطی هستید. یعنی نوعی سرگشتگی و شتاب‌زدگی در میان فروشگاه‌ها و برندها ایجاد می‌کنند.

**اما باید به این پرسش نیز پاسخ داد که بازارها به عنوان یک الگوی ایرانی آیا می‌توانند جایگزین مکامال‌ها در شرایط کنونی شوند و جایگویی نیازهای امروز جامعه باشند؟**

بازارها بر اساس نیاز انسان‌ها و ویژگی‌های آن شهر ساخته می‌شوند. در کنار بازارها، تیمچه‌ها و سراها برای فضاهای تولید پیش‌بینی می‌شد. همین‌طور بازارها در کنار خودشان و در مسیر خودشان، خدمات مورد نیاز جامعه را به نحو مطلوب ایجاد می‌کردند. از روزنه گنبد‌ها و طاق‌نماهای بازار می‌شد ظهر شدن یا تارک شدن هوا را تشخیص داد و با زمان و فضا، یک ارتباط انسانی برقرار کرد.

**از فناوری‌های جدید و هوش مصنوعی چگونه می‌توان برای ارتقای کیفیت معماری کشور بهره گرفت؟**

هوش مصنوعی یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند زمان ماست؛ همین‌طور اینترنت اشیا، شهر هوشمند و دیگر مفاهیمی مانند بیگ دیتا، دیتا ماینینگ یا همان داده‌کاوی، یادگیری ماشین و منطق فازی. ما در دانشگاه معماری و هنر پارس، به اتفاق یکی از همکاران، خانم مهندس سمیرا رحمتی، کتابی درباره «معماری هوشمند و شهر هوشمند» نوشته‌ایم که در آن، تمام این ایجاد به تفصیل بیان شده است. در این دانشگاه، رشته «ساختمان‌های هوشمند» و رشته «معماری پایدار» را ایجاد کردیم تا بتوانیم از این ظرفیت‌ها در جهت بهبود شرایط شهر و ارتقای کیفیت معماری کشور استفاده کنیم. اما هنوز در نقطه آغاز هستیم. کارهای علمی بسیاری در این حوزه انجام شده، اما آنچه امروز در شهرهای کشور می‌بینیم، هنوز فاصله زیادی تا تحقق واقعی شهر هوشمند

دارد. در معماری هوشمند، ساختمان‌ها باید به حسگرها و عمل‌کننده‌ها مجهز باشند تا بتوانند کنترل گرما، سرما، انرژی، نور روز و حتی ایمنی در برابر حریق را به‌صورت خودکار انجام دهند. چنین سیستم‌هایی می‌توانند آسایش، امنیت و بهره‌وری انرژی را در ساختمان و در مقیاس شهر افزایش دهند. وقتی ساختمانی به سیستم‌های هوشمند مجهز باشد، دیگر نگرانی از سرت وجود ندارد، انرژی به شکل بهینه مصرف می‌شود و کنترل گرمایش و سرمایش به‌صورت دقیق و هدفمند انجام می‌گیرد. در نتیجه، با هوشمندسازی ساختمان‌ها و شهرها، هم در انرژی به بهره‌وری مناسب می‌رسیم، هم امنیت جامعه ارتقا می‌یابد و هم احساس آرامش و نظم در فضاهای شهری گسترش پیدا می‌کند؛ موضوعی که یکی از ضرورت‌های جامعه امروز ماست.

**به عنوان استاد پیشکسوت معماری، مهم‌ترین دغدغه‌تان برای نسل آینده معماران و شهرسازان ایرانی چیست؟**

بزرگ‌ترین دغدغه من این است که نسل آینده معماران ایران، معماری و شهرسازی ایرانی را به‌خوبی بشناسند و از دستاوردهای معماری و شهرسازی کشور آگاهی عمیق داشته باشند. در معماری ایران، ما ناهتیا به مفهوم «سودمندی» که ویتروویوس از آن سخن گفته بود، به‌خوبی عمل می‌کردیم، بلکه «انسان» را محور طراحی قرار می‌دادیم و معماری را «ظرف زندگی» می‌دانستیم. در معماری سنتی ما، ساختمان بر اساس نیازها، باورها و کیفیت زندگی انسان‌ها طراحی می‌شد. این معماری هم سودمند بود (یونیوتیلزاس)، هم استوار و پایدار (فیرمیتاس) و هم زیبا و دارای جلوه بصری مطلوب (ونوستاس). بنابراین معماری ایرانی نه‌تنها پاسخگوی نیازهای عملکردی بود، بلکه روح و معنا و زیبایی را نیز در خود داشت. امروز ما باید معماری گذشته ایران را به‌درستی بشناسیم، آن را به‌روز کنیم و از مزیت‌های آن بهره بگیریم. حتی در حوزه انرژی نیز، معماران ایرانی در گذشته با استفاده از عناصری مانند بادگیرها و شوادان‌ها، بدون مصرف سوخت فسیلی یا الکتریکی، شرایط آسایش حرارتی را در اقلیم‌های مختلف فراهم می‌کردند. بنابراین شناخت عمیق معماری ایرانی، به‌روز کردن آن و اصرار بر حفظ هویت و اصالت، در کنار محور قرار دادن انسان در طراحی، می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به معماری و شهرسازی مطلوب در ایران باشد. این وظیفه نسل امروز و آینده معماران و شهرسازان ماست.

**اگر فقط یک فرصت برای تغییر بنیادین در سیمای شهرمان داشتید، آن تغییر چه بود؟**

آن تغییر می‌توانست این باشد که هر ساختمان، هر بنا و هر فضای شهری بر اساس نیازهای واقعی انسان، با محوریت انسان و با نگاه به اصالت و هویت معماری ایرانی طراحی شود. اگر ما مصالح، عناصر و اجزا و جزئیات برگرفته از معماری سرزمینی خود را دوباره به کار بگیریم، و به جای اولویت دادن به تراکم برای تأمین درآمد بر هماهنگی، هارمونی و یکپارختی در سما و ساختار شهری تأکید کنیم، شهرهای ما می‌تواند به شهری با هویت، اصالت، معنا تبدیل شود. در آن صورت، شهرهایی خواهیم داشت که در آن کشاکش مدرنیته و اصالت، می‌تواند هویت سرزمینی خود را حفظ کند و تاریخ پرفرغ و پرافتخار معماری و شهرسازی ایران را به جهانان عرضه کند.

**برای رسیدن به این هدف چه گام‌هایی باید برداریم؟**

برای دستیابی به این هدف باید دانشگاه‌ها برای آموزش معماری و شهرسازی با هویت تلاش کنند. دستگاه‌های نظارتی و اجرایی مانند شهرداری‌ها و نظام مهندسی هم همین هدف را در برنامه‌های خود پیگیری کنند و حتی دستگاه‌های قانونگذاری برای تحقق آن تلاش و رسانه‌های عمومی، صدا و سیما، مجامع علمی و تخصصی برای تحقق این هدف، برنامه‌های مناسب و تأثیرگذار پیش‌بینی کنند تا ما در آینده ساختمان‌ها و شهرهایی داشته باشیم که در معماری پر افتخار و الگویی برای معماری و شهرسازی جهان امروز باشد.



شهرهای ما از کیفیت و شرایط مطلوب بصری برخوردار نیستند. انواع مصالح، ساختمان‌ها با طبقات و ایماه مختلف، با خط آسمانی مغشوش و آشفته، سبب شده‌اند که احساس خستگی و بی‌قراری در مردم شکل گیرد. علت این وضعیت آن است که ما در معماری خود به بنیان‌ها، هویت و ضرورت‌های واقعی جامعه نپرداخته‌ایم



بیش

معماری چگونه می‌تواند حس تعلق به شهر را تقویت کند تا شهروندان فقط محل اقامت نباشند، بلکه بخشی از هویت آنان شود؟

اساساً شهرها لباس فرهنگ، تمدن و باورهای یک سرزمین‌اند. ما از روی شهرهای دوره‌های مختلف تاریخ، تشخیص می‌دهیم که آن انسان‌ها چگونه زندگی می‌کردند، چه باورهایی داشتند، چه رسوم و آیین‌هایی را دنبال می‌کردند و حتی چه سطحی از فناوری را در ساخت و اجرای بناها به کار می‌بردند. بنابراین، کاملاً محرز است که شهر می‌تواند بخشی از هویت ساکنان خود را بسازد.

